

پیشگفتار در دفاع از تروتسکیزم

حملات گرایش‌های خرده بورژوازی علیه مارکسیزم انقلابی مسئله جدیدی نیست. از زمان کارل مارکس گرایش‌های خرده بورژوا، برای بی اعتبار جلوه دادن نظریات مارکسیستی از هیچ اقدامی دریغ نکرده اند. همان طور که آنارشیزم ها در دوره مارکس از دشمنان قسم خورده مارکسیزم بودند؛ در عصر ما استالینیزم و مانوئیزم از دشمنان قسم خورده سوسیالیزم انقلابی هستند. هم چنان برخی از گرایش‌های خرده بورژوا جنبش کارگری (سندیکالیست ها و آنارکوسندیکالیست ها) نیز؛ زیر لوای مخالفت با «ایزم»ها؛ اساس دست آوردهای جنبش کارگری را از اعتبار تهی می کنند.

این روزها کمتر کسی از این گرایش ها خرده بورژوا جرأت می کند که صراحتاً در مقابل اعتقادات کارل مارکس قد علم کنند. از این رو برای مقابله با مارکسیزم انقلابی دوران ما، حمله اصلی خود را بر تروتسکیزم می گذارند. زیرا که دستگاه دروغ پردازی مسکو و پکن سال ها جعلیات و خزعبلات کاذب علیه تروتسکیزم را تحویل طرفداران خود در سطح جهان داده اند. استالینیزم ها و مانوئیزم ها ایرانی نیز از این قضیه مستثنی نیستند. به ویژه آنان که در دو دهه پیش کوچک ترین تحول نظری و فکری پیدا نکرده و مغزهای شان همانند چند دهه پیش تحت تاثیر خزعبلات دروغ پردازی «قطب های سوسیالیستی» سابق شان قرار گرفته - حتا چنان چه «قطب های سوسیالیستی» شان مانند سران مسکو و پکن به خدمت کاران امپریالیزم مبدل شده باشند! آنها حتی زحمت خواندن مطالبی که نقد می کنند را به خود نمی دهند. تمام اساس نقد آنها متکی بر جعلیات است.

مخالفت گرایش‌های خرده بورژوا با مارکسیزم انقلابی قابل درک است. خرده بورژوازی با وجود ظاهری «رادیکال» و «خلقی» نهایتاً از در سازش با

بورژوازی بر می آمد. تجربه مانوئیزم و گرایشات آنارشیستی در چند دهه پیش در صحنه جهانی اثباتی است بر این امر. در صورتی که مارکسیزم انقلابی با وجود ایرادات و انحرافات درونی خود هیچ گاه همانند این ها به خدمت بورژوازی در نیامده و همواره در کنار طبقه کارگر باقی مانده است.

اما آن اتفاق جدیدی که رخ داده اینست که با مشاهده رشد و تأثیر گذاری مارکسیزم انقلابی در درون جنبش کارگری ایران، اجساد متعفن استالینیزم؛ مانوئیزم و آنارشیزم بار دیگر از زیر خروارها خاک مجدداً سر بیرون آورده تا کوشش کنند نقش تاریخی خود را در راستای خدمات به بورژوازی ایفا کنند. تهاجم اصلی این دونکیشوت ها همواره علیه تروتسکیزم متمرکز شده است.

نقش کارگران پیشتاز انقلابی دفن کردن مجدد این عقاید پوسیده برای همیشه است!

برای آشنایی بیشتر با این نظریات انحرافی مجموعه مقالاتی تحت عنوان «در دفاع از تروتسکیزم» در اختیار پیشتازان انقلابی قرار می گیرد.

مقاله اول، «استالینیزم و تروتسکیزم»، توسط م. رازی نقدی است به انحرافات موجود خرده بورژوازی در درون جنبش کارگری امروز ایران. این گرایش ها برای مقابله با نظریات انحرافی استالینیستی به نفی «ایزم» ها رسیده و کل دست آورهای مارکسیزم انقلابی را زیر سؤال می برند. این مقاله نخستین بار در کارگر سوسیالیست ۴۳، اردیبهشت ۱۳۷۶ انتشار یافت.

مقاله دوم؛ «شبح تروتسکیزم»؛ از م. شایق است که در پاسخ به رهبران حزب توده و بازماندگان جبهه ملی (سوسیال دموکرات) نگاشته شده است. این مقاله نخستین بار در سال ۱۳۵۵ در کندوکاو (تشریح سوسیالیست های انقلابی) درج شد. مقاله سوم؛ «تفسیر تروتسکی از استالینیزم»؛ توسط پرری اندرسون نویسنده معروف مارکسیست و استاد دانشگاه کالیفرنیا نگاشته شده است. این مقاله ای است مستند و منطبق به واقعیت ها؛ اما او در بخش محدودیت های تروتسکی می گوید که

در دو مورد ارزیابی او اشتباه بوده است: " اول آن که، در مورد نقش خارجی بوروکراسی شوروی که وی آن را به طور صرفاً یک جانبه "ضدانقلابی" ارزیابی می کرد. در اشتباه بود. در حالی که وقایع نشان دادند که نقش خارجی بوروکراسی شوروی نیز به همان اندازه ی نقش داخلی اش هم در عمل و هم در پیامدهایش عمیقاً متضاد بوده است. دوم آن که، نظریه تروتسکی دال بر این که استالینیزم صرفاً مبین یک انحراف "استثنائی" از قوانین عام گذار از سرمایه داری به سوسیالیزم و منحصر به شوروی است، نیز اشتباه از کار در آمد. ثابت شد که ساختارهای قدرت و بسیج بوروکراتیک که استالین پیش قدم در آن بود، در سطح بین المللی پدیده ای عام تر و پویاتر از آن بود که تروتسکی متصور می شد. او در آخرین روزهای حیاتش پیش بینی کرده بود که اتحاد شوروی در یک جنگ با امپریالیزم شکست خواهد خورد، مگر آن که انقلاب در غرب شعله ور شود."

در این امر تردید نیست که ارزیابی تروتسکی از وقایع خارجی شوروی کاملاً دقیق نبود. اما اگر پرری اندرسون این مقاله را پس از فروپاشی شوروی و بلوک شرق می نوشت (مقاله او در حدود یک دهه پیش از فرو پاشی نوشته شده است) مسلماً ارزیابی بالا را از مواضع تروتسکی ارائه نمی داد. نظر تروتسکی این بود که یا در شوروی یک انقلاب سیاسی کارگری رخ خواهد داد و یا آن کشور در مارییج بورکراسی به عقب باز خواهد رفت (یعنی به سرمایه داری). واقعیت امروز نشان می دهد که ارزیابی تروتسکی در این مورد در کل درست بوده است.

مقاله چهارم؛ «دیالکتیک در دفترهای دیالکتیکی تروتسکی» از حمید حیمد؛ محقق مسایل فلسفی مارکسیستی و استاد دانشگاه در آمریکا؛ اثر ارزنده و ویژه ای است از نظریات فلسفی تروتسکی که برای نخستین بار در شماره ۴ «دیدگاه سوسیالیزم انقلابی» ۱۹۹۸ (نشریه تنوریک سوسیالیست های انقلابی)؛ انتشار یافت.

مقاله پنجم؛ «استالینیزم و بلشویزم»؛ اثر لنون تروتسکی است که در اوت ۱۹۳۷ به رشته تحریر در آمد.

مقاله ششم؛ «انقلاب دموکراتیک توده ای یا انقلاب سوسیالیستی»، مقاله ای توسط م. رازی در پاسخ به نظریات عباس توکل (اقلیت) که در سال ۱۳۶۱ در ایران نگاشته شده است.

م. رازی

۱۰ دی ۱۳۸۳

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazari@netscape.net

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۳